

کوچ اجباری ۶۰۰ خانواده قوم تیمنی

از سرزمین آبایی شان «دره کِشرو» بر اساس یک حکم ظالمانه

مردم دره کِشرو قرن هاست که در سرزمین آبایی شان زندگی می کنند به اساس فیصله غیر عادلانه و غیر انسانی مقام های ولایت غور مجبور شده اند کوچ کنند. آنها باید خانه، زمین، باغ ها و جایداد خود بگذارند و بروند. حتی در و دروازه خود را حق ندارند با خود ببرند. خانه همانگونه که هست بماند و آنان کوچ کنند.

من خودم از مردم دولتیار غور هستم و در همان منطقه زاده شده و بزرگ شده ام از موضوع آگهی کامل دارم.

قضیه دعوی زمین در دولتیار وقتی آغاز شد که کسانی که خود را «سردار» نام گذاشته اند، در آن زمان به حکومت های وقت نزدیک تر بودند و شروع به قصب، تملک و تصاحب غیرقانونی زمین های مردم تیمنی دولتیار کردند. این درست پس از زمانی است که حکومت امیر عبد الرحمان خان زمین را بر اساس ثبت زمین در دفتر های مالیاتی توزیع می کرد. قضیه از آن زمان تا حال ادامه دارد.

در اولین اسناد حکومتی مربوط به دولتیار، دفتر های مالیاتی داده می شد. قومی که سردار یک دفتر مالیاتی و مردم تیمنی دولتیار ۲۴۰ دفتر مالیاتی داشتند، زیرا سردار نفوس شان کم بود و هنوز هم در دولتیار یک اقلیت بسیار اندک اند. دولت آن زمان بر اساس این دفتر های مالیاتی از مردم مالیه می گرفت.

در آن زمان، سردار ها به گونه فریب، تزویر، دروغ و فساد و ارتشاء به مقامات دولتی آن وقت، دست به تصاحب زمین های مردم تیمنی زدند. البته غصب غیرقانونی زمین را مردم دولتیار قبول نکرده و دعوا جنجال بر سر زمین آغاز شد. حکومت های آن وقت، نتوانستند موضوع را درست حل کنند و مردم تیمنی به حل های ظالمانه و زورآورانه سر خم نمی کردند.

بهترین فیصله از نظر تیمنی ها، اجرای عدالت بر اساس حکم محکمه عادل و منصفانه است که بر اساس اسناد و مدارک موجود و بر اساس حقایق عینی موجود در ساحه حکم صادر کند.

این اسناد نه تنها شامل اسناد نوشتاری اند، بلکه به اسناد مادی موجود در منطقه نیز هست. مانند خانه های موجود در آنجا، استفاده از زمین سالهای متمادی، قبرستان ها به عنوان دلیل زندگی مردم نسل اندر پی نسل.

البته بیش از صد سال است که سردار یک بار هم محکمه حاضر نشده است زیرا سردار هیچ سندی قابل قبول برای ثبوت ادعای خویش ندارد. اما تیمنی های دولتیار سند مالکیت زمین دارند و آنان سال های متمادی از این زمین استفاده کرده اند.

فیصله سیاسی بر اساس مخالفت ها و تضاد های منطقی هرگز قابل قبول نیست. حتا آن فیصله محکمه که بر اساس فشار های سیاسی، طرفدارانه، زورآورانه و مزورانه به نام محکمه صادر شود، عادلانه نخواهد بود و پذیرفتنی نیست. حکم ظالمانه را می توان تطبیق کرد اما حکم ظالمانه، ظالمانه خواهد بود. احکام ظالمانه از سوی مقامات در رابطه با تیمنی های دولتیار در گذشته تطبیق شده بود، اما تیمنی ها حکم زورآورانه قبول نکردند.

آن ظالمان با احکام ظالمانه از زندگی رفتند ولی تیمنی ها تا هنوز هم سربلند و با افتخار زندگی می کنند.

درین قضیه، تیمنی ها باوجودی که دو امر از وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر، یک امر از استره محکمه و یک امر از مقام تمیز طالبان برای حل موضوع به محکمه آوردند ولی هر چهار امر از سوی والی غور رد شد و آقای دین دوست، والی غور خودش حکم کرد.

والی غور «آقای دین دوست» دشمنی دیرینه با مردم تیمنی داشته و با سردار ها خویشاوندی دارد. دشمنی «آقای دین دوست» به مردم تیمنی ازین ناشی می شود که او از فرماندهان طالب بود و تیمنی های دولتیار با جمهوریت بودند.

نباید فراموش کرد که ولسوالی دولتیار آخرین مرکزی اداری بود که در ولایت غور سقوط کرد و تیمنی های دولتیار تا آخر از منطقه خود دفاع کردند. این امر یکجا با خویشاوندی با سردار ها که با طالبان همکاری می کردند، باعث این حکم ظالمانه کوچانیدن مردم کشرو و جابجا کردن سردار ها به آن منطقه شده است.

تیمنی ها با طالبان مخالفت ندارند اما این کوچانیدن اجباری غیر انسانی است. اگر امروز تطبیق شود، فردا نقش بر آب می شود زیرا بیدادی پایه و اساس ندارد.

خرابی ز پیدا گیرد جهان

جو بستان خرم ز باد خزان

مقام های طالبان به جای اینکه به عنوان یک حکومت بی طرف عمل کنند، به عنوان حکومتی که تمام شهروندانش دارای حقوق مساوی اند، حق خانه و زمین دارند، حق بهزیستی دارند، حق زندگی دارند، حق دسترسی به محکمه و غیره حقوق دارند، تلاش می کنند که مردم را به دلیل اینکه آنان با حکومت قبلی رابطه داشته اند، دستجمعی جزا بدهند. مردم را بگونه اجباری می کوچانند، زمین، باغ ها، جا و جایداد آنان را به مخالفان شان می دهند.

مقام های غور، مکتوب های که حل موضوع را به محکمه رجاع کرده و از سوی وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر، استرہ محکمه و محکمه تمیز طالبان، داده شده است، قبول نمی کنند و فیصله یک نفر را به نام فیصله صلح بین طرفین به دروغ اعلان می کنند.

درین فیصله صلح که درباره کوچ اجباری ۶۰۰ خانواده دره کشر و هست، هیچ کسی از مردم دره کشر حاضر نبوده و وکیلی هم نداشته اند.

والی سابق غور آقای دین دوست که قوماندان قول اردوی قندهار است با اتکا به ارتباطات و واسطه های که در آن ولایت دارد و با همدستی با دوستان خویش ارجاع قضیه را به محکمه قبول نکرده و موضوع را به شکل بسیار ظالمان و غیر عادلانه حل کرده است.

در زمان امیر عبدالرحمان خان که اولین اسناد زمین از سوی دولت آن زمان برای مردم در دولتیار داده شده بود، دفتر های توزیع مالیات بود. در آن زمان، سردار یک دفتر مالی داشت در حالیکه مردم تیمنی ۲۴۰ دفتر مالی داشتند. شما می توانید ازین دفتر های مالیه زمین سردار را با زمین تیمنی ها مقایسه کنید.

سردار ها حالا ادعای زمین بسیاری از منطقه را دارند.

سردار ها این همه زمین را از کجا پیدا کرده اند؟ آیا سند دارند؟ آیا خریده اند؟ آیا محکمه به آن ها داده است؟ آیا از آسمان برای شان امر شده است؟ نه.

امروز احمدشاه دین دوست حتا زمین های را که ملک مشاع تیمنی بوده اند و بر سر آن هیچ دعوایی وجود ندارد و بشکل عرفی از تیمنی ها است نیز به سردار ها داده است. این مناطق قریه های مختلف را در برمیگیرد که سردار هیچگاه هیچ ادعای به آن نداشته است.

تیمنی های دره کشر که می توانند قبرستان اجداد خود را به هفت نسل نشان دهند، اما سردار به دره کشر و یک قبر از یک نسل خود هم نمی تواند نشان دهد، باید از سرزمین نیاکان شد بیرون می کنند.

این کوچ اجباری را زمانی اسماعیل خان هم کرد که تیمنی ها مجبور به مهاجرت به سوی مزار شریف شدند، تمام هست بود شان ماند. اما سرانجام بازگشتند و سرزمین و ملک خود را پس گرفتند و در آن زندگی می کنند. در آن زمان نیز اسماعیل خان از سوی سردار ها تحریک شده بود.

شاید میان طالبان کسانی باشند که دارای عقل سلیم و بینیش سیاسی اند و بدانند که به کشور می توان با عدل فرمانراند نه با ظلم. همانان باید از چنین احکام ظالمانه جلوگیری کنند.

<https://www.facebook.com/share/v/19WgNetBsi/>

پایان